

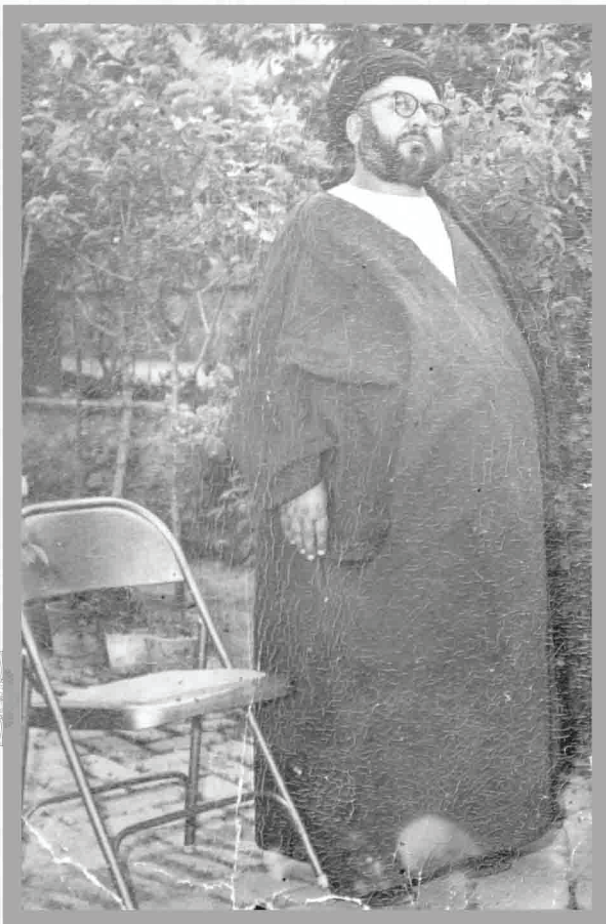


ویژه‌نامه
پنجاهمین سالگرد
شهید علامه سید اسماعیل بلخی

آموزه‌های دینی و بالاخص مهجور واقع شدن قرآن در صحنه زندگی اجتماعی مردم می‌دانست؛ لذا راهکاری را که ارائه می‌کند، نیز راهکار دینی و چنگ زدن به آموزه‌های دینی است:

هان ای بشر بیاموز درس از کتاب قرآن
دست از ره توسل زن بر طناب قرآن
در آتش دوئیت سوز و گداز تا کی
بهر دوام وحدت، کن انتخاب قرآن

بلخی ضمن توصیه جامعه به بازگشت و مراجعه به آموزه‌های دینی، از الزامات، ضرورت‌ها و پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی هم غافل نیست. او متوجه است که اهداف اجتماعی را در دنیای معاصر، نمی‌توان بدون داشتن سازمان و تشکیلات، پی‌گیری کرد. به همین دلیل با جمعی از نیروهای همفکر، سازمانی را به نام «حزب ارشاد» باهدف سازماندهی و انسجام‌بخشی به فعالیت‌های، سیاسی - اجتماعی و فرهنگی تأسیس کرد که در چوکات آن حزب، توانست حتی در داخل دستگاه امنیتی و قوای



شهید بلخی و عدالت

✍️ غلام سخی احسانی

به طور عموم، تاریخ و سرگذشت این سرزمین، مملو از تجربه‌های تلخ اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز سیستماتیک و رویکردهای تمامیت‌خواهانه، به موضوع سیاست و قدرت از سوی حاکمان بوده است. آن‌هم به روش‌های سیاست‌های حذفی، کوچانیدن اجباری و یا به حاشیه‌راندن و در نهایت محروم‌سازی بخشی عظیم جامعه از ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی‌شان.

با این توضیح که حاکمان و حلقه‌های قدرت، در طول تاریخ این کشور، با هدف به چنگ آوردن و حفظ قدرت، همواره تلاش کردند تا شکاف‌های قوم‌ی، مذهبی و زبانی را، به صورت نیمه فعال، حفظ کنند و در مواقع لزوم، در جهت استمرار قدرت مطلقه و انحصاری‌شان، از طریق برانگیختن عصبیت‌ها و بسیج کردن یک گروه قوم‌ی - فرقه‌ای علیه دیگر گروه‌های قوم‌ی، در راستای تحکیم و تداوم سلطه خود اقدام کنند که بر ایند این نوع سیاست، سلطه قوم و حلقه خاص و قطبی شدن نهاد قدرت بوده است.

اما در این میان چهره‌های آزاد اندیش و برابر طلب، مثل شهید علامه بلخی، با تفکر و اندیشه‌های انقلابی که باور عمیق به آزادی و برابری داشتند؛ تمام تلاش و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی و فرهنگی خویش را در جهت درهم شکستن تفکر خود برتر پنداری و مطلق‌انگاری قدرت و نیز اسطوره‌زدایی از نهاد قدرت به کار گرفتند. شهید بلخی با تکیه بر بن‌مایه چنین اندیشه، در صحنه عمل، تمام‌قد در برابر صاحبان زر و زور و قدرت ایستاد و در این راه هیچ انعطاف و ملاحظه‌ای از خود نشان نداد. او برای تحقق اهداف خویش در دو جبهه فکری و عملی مبارزات خود را دنبال کرد؛ زیرا می‌دانست که مبارزات آزادی‌خواهانه و برابر طلبانه، در شرایطی که جامعه بر اثر سیاست‌های تفرقه‌افکنانه، دچار فروپاشیدگی و گسست‌هایی با ماهیت قوم‌ی، مذهبی و زبانی شده است، به سرانجام نخواهد رسید؛ لذا حرکت‌هایی را در جهت تقریب مذاهب و تقویت روحیه همبستگی اجتماعی روی دست گرفت.

از آن‌جایی که بلخی یک عالم دینی است، ریشه مشکلات جامعه و بی‌عدالتی، تفرقه و تعصبات را در فاصله‌گیری از

مسلم کشور نفوذ کند. به قسمی که با همکاری هم‌زمان خود، محمد ابراهیم خان گاوسوار و خواجه محمد نعیم خان طرح کودتا و براندازی نظام استبدادی را نیز برنامه‌ریزی کنند.

در حقیقت بلخی بیشتر یک مبارز عملگرا بود. او تمرکز کردن به فعالیت‌های فکری و فرهنگی را در براندازی نظام استبدادی کافی نمی‌دانست و معتقد بود که لایه‌های دیوار استبداد آن قدر ضخیم شده است که صدای نحیف و کم‌جان درد خفقان، تبعیض و بی‌عدالتی را نتوان از آن عبور داد. از این‌رو با روحیه انقلابی‌گری خویش فریاد زد که باید خون داد و با خون، صدای مردمان به ستوه آمده و کارت به استخوان رسیده از ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض را بر دیوار استبداد نگاهشت. در واقع از نظر شهید بلخی، فقط خون است که می‌تواند دیوار زمخت استبداد را فرو بریزاند. بدین رویکرد است که گفته است:

جانان در قلم رنگ شفا نیست

دوای درد استبداد خون است

ز خون بنویس بر دیوار ظالم

که آخر سیل این بنیاد خون است.

شهید بلخی پس از سال‌ها تحمل رنج زندان، در ۲۴ سرطان ۱۳۴۷ به طور مرموز به شهادت رسید؛ ولی گرد و غبار مرگ و گذر زمان نتوانست فروغ افکار آزادی‌خواهانه او را بپوشاند و به فراموش‌خانه تاریخ بسپارد؛ بلکه حرکت و اندیشه او الهام‌بخش دیگر آزاد مردان شد. آن‌گونه که خود گفته است:

بلخیا آزاد می‌میرم، بعد از مرگ هم

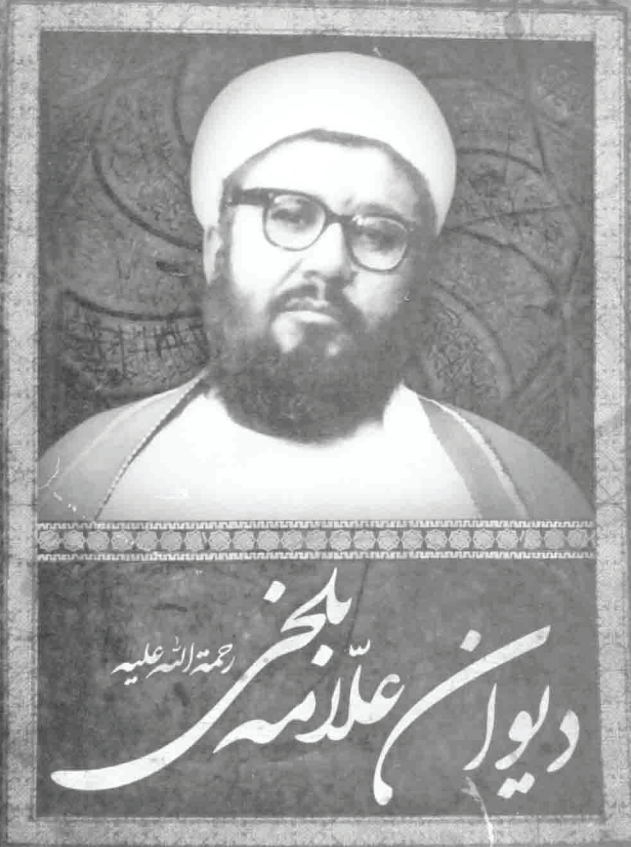
عکس ما آزادگان را شاهد آزادگی است.

در میان مبارزان عدالت‌خواه؛ شهید وحدت ملی، عبدالعلی مزاری، برجسته‌ترین چهره‌های است که ضمن ارج نهادن به افکار و اندیشه‌های بلخی، بیش‌ترین تلاش را با طرح‌های روشن و واضح در جهت استقرار عدالت‌اجتماعی پی‌گیری کرد و این چیزی است که شهید مزاری در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود، از توصیه‌ها و مشوره‌دادن‌های بلخی یاد کرده است و همین علاقه رهبر شهید به علامه بلخی بود که سبب شد (در دوره جهاد)، از میان تنظیم‌های شیعی و هزارگی؛ سازمان نصر، تنها تنظیمی بود که تصویر و اشعار بلخی را نشر می‌کرد و سمینارهایی برای تجلیل از مبارزات و معرفی شخصیت او برگزار می‌کرد که شهید وحدت ملی از رهبران اصلی و محوری این حزب محسوب می‌شد.

شهید مزاری، در چندین مصاحبه و سخنرانی خود، به توصیه و مشوره‌دهی شهید بلخی، که موجب تغییر و تأثیرگذاری بر دیدگاه مبارزات عدالت‌خواهانه او شده است، یاد کرده است. و بالاخص این‌که به توصیه شهید بلخی از امتیاز معافیت روحانیان از خدمت عسکری استفاده نکرد؛ چون شهید بلخی به شهید

عدالت‌خواهان و مبارزان

ابراهیم خان
گاوسوار



مزاری توصیه کرده بود که از امتیاز معافیت از خدمت عسکری استفاده نکنند؛ زیرا خدمت عسکری انسان را می‌سازد و برای پذیرش و تحمل روزهای سخت آماده می‌کند. حال صرف نظر از عشق و ارادت شهید مزاری به شهید بلخی، تردیدی نیست که به طور نسبی مبارزات دهه هفتاد که سرنوشت جامعه و مسیر تاریخ مردم ما را عوض کرد، ملهم از روحیه انقلابی‌گری و آزادی‌خواهی شهید بلخی و دیگر مبارزان هم عصر او مثل علامه فیض محمد کاتب هزاره، ابراهیم خان گاوسوار و ملا خداداد لورو و... بود؛ زیرا در این دوره، اشعار انقلابی و داستان به زندان افتادن شهید بلخی، که توسط بخش فرهنگی سازمان نصر به صورت گسترده نشر می‌شد، در میان مبارزان و انقلابیون دست به دست می‌شد. از این جهت نمی‌توان نقش و تأثیرگذاری مبارزات بلخی را بر انقلابیون و شیوه مبارزات آنان از نظر دور داشت؛ اما شهید مزاری با رویکرد افسون‌زدایی از قدرت و طرح موضوع مشارکت و سهیم‌کردن گروه‌های حاشیه و محروم جامعه، در فرایند تصمیم‌گیری‌های کلان ملی، ابعاد وسیع و گسترده به مبارزات



ویژه نامه
پنجاهمین سالگرد
شهید علامه سید اسماعیل بلخی



«ریشه اصلی تمام فاجعه‌ها در کشور، انحصارطلبی و نادیده گرفتن حقوق دیگران است». این سخن شهید مزاری به این معنا است که ثبات کشور در گرو توزیع عادلانه امتیازات، افزایش رضایتمندی و از بین رفتن تبعیض عینی و احساسی است.

است؛ اعم از عدالت اداری، توزیع تناسبی قدرت و نهادینه شدن حقوق شهروندی. لذا شهید مزاری با هدف ابهام‌زدایی و پیش‌گیری از هرنوع سوء تفسیر از دیدگاهش، هر وقت سخن از عدالت می‌گفت، عدالت را برای همه می‌خواست؛ چنان‌که در جایی گفت: «خواست ما تأمین عدالت، برابری و برادری میان مردم افغانستان است.» شهید مزاری برای برقراری عدالت اجتماعی، هم خودش طرح داشت و هم اعلان آمادگی برای پذیرش و حمایت از هر نوع طرحی که بتواند زمینه توزیع قدرت و امتیازات اجتماعی را براساس تناسب حجم و میزان نفوس اقوام فراهم نماید، کرد. به همین منظور گفت: «هر طرحی که منجر به برقراری عدالت اجتماعی در جامعه افغانستان شود و حقوق ملیت‌های محروم را اعاده کند، استقبال می‌کنیم». یعنی وجود این ویژگی‌ها در دیدگاه و شیوه مبارزاتی شهید مزاری است که او را از همه مبارزان هم‌قطارش متفاوت ساخته است. در حالی که از نگاه پیوند و ترتیب تاریخی، آبخشور دیدگاه هر دو شهید آرمان‌های واحد و یگانه است؛ اما باز هم دیدگاه و اندیشه شهید مزاری برجستگی‌های خاص و بی‌بدیل خود را دارند که از این زاویه بدون تردید دیدگاه «عدالت خواهانه» شهید مزاری، بنابه تحولات به وجود آمده، از نظر شرایط زمانی و دیگر متغیرهای تأثیرگذار، سرجمع و صورت تکامل یافته دیدگاه عدالت خواهان پیش از او (بالاخص شهید بلخی) است. به خاطر همین ویژه‌گی‌ها و تمایزات است که حرکت عدالت خواهانه شهید مزاری، از جامعیت، عمق، گستردگی و ماندگاری برخوردار است.

عدالت خواهانه بخشید؛ یعنی شهید مزاری با طرح خواسته مشارکت دادن اقلیت‌های محروم در متن تصمیم‌گیری‌های کلان کشور، عدالت اجتماعی را برجسته‌تر ساخت و در متن مبارزات خود قرار داد؛ چون او با درک تاریخ کشور و رابطه و مناسبات دستگاه حاکمیت با دیگر گروه‌ها، به درستی در یافته بود که ریشه نارضایتی و از هم‌گسیختگی جامعه در چیست؟ و نیز به درستی درک کرده بود که مطالبات و خواسته‌های سرکوب شده گروه‌های مشارکت طلب، از موجبات اصلی بروز بحران‌های گوناگون در کشور بوده و خواهد بود؛ چنان‌که به نیکی گفت: «ریشه اصلی تمام فاجعه‌ها در کشور، انحصارطلبی و نادیده گرفتن حقوق دیگران است». این سخن شهید مزاری به این معنا است که ثبات کشور در گرو توزیع عادلانه امتیازات، افزایش رضایتمندی و از بین رفتن تبعیض عینی و احساسی است.

با این وصف می‌توان ادعا کرد که مسئله اصلی هردو شهید شاهد، آزادی، برابری و برقراری عدالت اجتماعی بود. منتهی شهید مزاری خواست‌ها و مطالبات خویش را به صورت ملموس و عینی و در قالب طرح‌های واضح و قابل عملیاتی شدن بیان کرد؛ یعنی شهید مزاری واضح ساخت که منظورش از عدالت اجتماعی، برقراری عدالت در همه عرصه‌های مدیریتی جامعه و بهره‌مندی مساویانه گروه‌های قومی، مذهبی، و... از امتیازات اجتماعی